



## وجوه انسانی محیط: تحلیل چگونگی تامین نیازهای فردی در تعامل با محله

جابر دانش

دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

[jaber.danesh@modares.ac.ir](mailto:jaber.danesh@modares.ac.ir)

### چکیده

ارتباط میان انسان و محیط، تاثیرات متقابلی را موجب می‌شود که در مقیاس‌های مختلف شهری، از جمله حیات محله‌ای قابل مشاهده است. در نگرشی کلان، وجوه مختلف نیازهای انسانی در تعامل با زندگی محله‌ای باید مورد توجه بوده، پاسخ‌های مناسب را دریافت دارند. اما امروزه، محلات شهری علی‌رغم اهمیت تاریخی خود، در نظام‌دهی به الگوی سکونت شهری و تامین ساحت‌های مختلف نیاز انسانی، نقش کم‌اهمیتی را دارا هستند. گسست در ساختار فضایی محله و از بین رفتن هویت کالبدی آن، سبب از بین رفتن ساختار اجتماعی پیوسته میان ساکنین و کاهش ارتباطات و تعاملات میان مردم می‌شود. این در حالی است که در چند دهه اخیر، تأکید مجددی بر احیاء آنها صورت گرفته است.

ایجاد شبکه‌های اجتماعی قوی در قالب گروه‌ها و اجتماعات محلی و ایجاد زمینه‌ها و بسترهای لازم بر ای برقراری ارتباط میان ساکنین، می‌تواند به صورت بازخوردی مؤثر سبب حل مشکلات شهری و بهبود وضعیت زیستی ساکنین گردد. با تأکید بر ساختار فضایی، می‌توان زمینه بهبود تعاملات و روابط مناسب اجتماعی میان ساکنین در چارچوب رویکرد اجتماعات محلی را انتظار داشت. این تعاملات نیز در یک فرآیند برگشت پذیر منجر به بهبود ساختار فضایی محله و تقویت هویت محلی می‌گردد. این تحقیق با رویکردی



توصیفی- تحلیلی، به بررسی وجوه بروز نیازهای مادی، روانی و معنوی در قالب رفتارها و فعالیت‌های متنوع در محله پرداخته، دو رویکرد کالبدی و اجتماعی را در تبیین وجوه انسانی محیط محله‌ای مورد تاکید قرار می‌دهد.

**واژه‌های کلیدی:** محیط زیست، محله، نیازهای انسانی، تعامل محیطی، هویت، وجوه انسانی

## ۱. مقدمه

شهر، مجموعه‌ای است که براساس نیازها، فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنین آن شکل گرفته است. انسان‌ها بسته به نیازهای فردی یا گروهی خود فعالیت کرده و الگوهای رفتاری خاص خود را عرضه می‌نمایند. شهر و فضاهای مختلف آن بستر یا ظرفی برای این گونه اتفاقات هستند، بالتبع فضاها و خصوصیات آنها وابستگی شدیدی به نحوه فعالیت و الگوهای رفتاری استفاده کنندگان آنها دارند. البته این بدان معنی نیست که این رابطه یک طرفه است همان طور که فضاها از یک سو، آیین تمام نمای فعالیت‌ها و الگوهای رفتاری یک جامعه می‌باشند، از سوی دیگر فضاها بر فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنین تأثیر شدیدی می‌گذارند.

جامعه‌ای که نتواند بستر مناسبی را برای فعالیت و رفتارهای اعضای خود فراهم آورد، نمی‌تواند ادعای دارا بودن غنای فرهنگی نماید. هر رفتاری که توسط انسان صورت می‌گیرد اساساً متکی به فرهنگ است و فرهنگ به عنوان مجموعه دستاوردهای معنوی و مادی یک جامعه بر محیط شهری تأثیر می‌گذارد. به واقع آنها، تبلور فیزیکی این ذهنیات هستند. پس چگونه می‌توان با مشاهده عدم توانایی در تطبیق و ایجاد ارتباطی هماهنگ میان فعالیت، رفتار و کالبد، ادعای غنای فرهنگی داشت؟ جامعه شکوفا، توانمند و سالم نیاز به فضاهایی دارد که نه فقط در جهت آسایش، رفاه و تامین نیازهای افراد و گروه‌ها عمل نموده، بلکه رفتارهای مطلوب را تشویق و رفتارهای ناشایست را از خود دور کند.

هر شهر و هر محله‌ای از ویژگی‌هایی در بستر طبیعی خود برخوردار است که آن را از سایر شهرها و محله‌ها متمایز می‌کند. چنین مؤلفه‌هایی فرصت و امتیاز منحصر به فردی برای تشخیص و حس مکان یا فضا است. ویژگی‌هایی که چه بسا شهروندان متعددی طی سالیان طولانی آن را تجربه کرده و شیوه‌های زندگی خود را با آنها شکل داده‌اند؛ شیوه‌هایی که به وضوح در سنت شهرسازی ایرانی قابل مشاهده است. تجارب محله‌های مسکونی ساخته شده در بسیاری از کشورها از جمله شهرهای ایران، نشان داده است که طراحی کالبد و شکل محیط محله، بدون توجه به عملکردها و خدمات محلی، افراد ساکن و نحوه تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی و از